

تعاون، سال بیستم، شماره ۲۱۰ و ۲۱۱، دی و بهمن ۱۳۸۸

بررسی عوامل توانمندسازی بخش تعاون در استان گیلان با تأکید بر تقویت بنگاههای کوچک و متوسط و انجام فعالیتهای گسترده و اداره بنگاههای بزرگ اقتصادی

دکتر حمیدرضا علیپور^۱

چکیده

کمبود سرمایه‌گذاری زیربنایی، نبود ارتباط سازنده بین مراکز صنعتی و تولیدی با دانشگاهها و مراکز آموزشی عواملی هستند که سبب افزایش نرخ بیکاری در سالهای اخیر شده‌اند. از جمله راههای مورد تأکید اقتصاددانان جهت اشتغال‌زایی و توسعه پایدار، سرمایه‌گذاری در بنگاههای اقتصادی و تقویت آنهاست. بر این اساس و نیز با توجه به اهتمام مسئولان بخش تعاون برای تحقق سهم ۲۵ درصدی این بخش در اقتصاد ملی کشور، مقاله حاضر با هدف بررسی عوامل توانمندسازی بنگاههای اقتصادی کوچک و متوسط و ارائه الگوی ایجاد بنگاههای بزرگ اقتصادی در قالب تشکلهای تعاونی انجام شده است. شیوه مطالعه پیمایشی و اسنادی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بوده که براساس طیف لیکرت طراحی شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر تعداد ۷۰ واحد تعاونی از مجموع ۱۰۷۶ واحد تعاونی فعال

e-mail: drbehdad_66@yahoo.com

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

در تمامی بخشهای اقتصادی شهرستانهای استان تا سال ۱۳۸۵ بوده است. براساس نتایج مطالعه عوامل توانمندسازی تعاونیهای کوچک و متوسط عبارتند از: سرمایه در گردش، تجهیزات و ماشین آلات صنعتی، نیروی انسانی ماهر، بازار فروش، تسهیلات بانکی.

کلیدواژه‌ها:

اشتغال، بنگاههای کوچک و متوسط، بنگاههای بزرگ اقتصادی، تعاون، گیلان

مقدمه

از آنجا که در عرصه اقتصاد کلان، کشور وارد مرحله نوینی شده و ناگزیر به تطبیق خود با مؤلفه‌های اقتصاد جهانی است، اقتصاد درونگرا با سلطه بخش دولتی در شرایط کنونی قادر نخواهد بود روند حرکت خود را با شاخصهای رشد تنظیم نماید و توانایی و اقتدار اقتصاد ملی را تضمین و تأمین کند. در این صورت باید با نگرشی نو به آنچه در عرصه رخدادهای اقتصادی در طی بیست و هشت سال گذشته برای پاسخ به نیازهای عاجل به آن پرداخته شده است، بنگریم. در واقع اقتصاد کشور در دو مسیر اساسی و عمده قرار گرفته است؛ اول پیگیری وضع موجود و معادلاتی که نتایج و جواب آنها پاسخگوی نیازهای آینده نیست و دوم انطباق با اقتصاد جهانی که تعیین کننده سمت و سوی اقتصادهای ملی و منطقه‌ای نیز هست.

در مفاد سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و با ابلاغ آن، لوایح اجرایی، مجوزها و تکالیف متعددی برای شرکتهای تعاونی در نظر گرفته شده و یکی از بزرگترین موانع حقوقی خصوصی سازی در حوزه‌های زیربنایی، نهادهای مالی و صنایع بزرگ برداشته شده است. براساس این ابلاغیه، جهتگیری رسمی نظام اقتصادی کشور باید به سمت توسعه بخش خصوصی و تعاونی باشد. بر این اساس، از بخش تعاونی باید به گونه‌ای حمایت شود تا در پایان برنامه پنجم توسعه، سهم آن در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد برسد. این کار از طریق اقدامات حمایتی، رفع موانع و محدودیتهای، تشکیل بانک توسعه تعاون و آموزشهای فنی و

حرفه‌ای و انعطاف و تنوع در شیوه‌های افزایش سرمایه و توزیع سهام تعاونیها و امکان ایجاد تعاونیهای جدید در قالب شرکتهای سهامی عام صورت می‌گیرد. البته در راستای اجرای این واگذاریها و اداره بنگاه‌های اقتصادی باید الزامات واگذاری از قبیل توانمندسازی بخشهای خصوصی و تعاونی و استفاده از روشهای معتبر و سالم واگذاری با تأکید بر بورس، سیاستهای کلی بخش تعاون و نظارت و پشتیبانی مراجع ذیربط رعایت شود. علاوه بر این مقرر شده است تا ۳۰ درصد از درآمدهای حاصل از واگذاری، به تعاونیهای فراگیر ملی اختصاص یابد. با توجه به اهمیت بخش تعاون در لایحه قانونی سیاستهای کلی اصل ۴۴، بررسی این موضوع که آیا امکان واگذاری بنگاه‌های بزرگ با ساختار فعلی تعاونی به بخش تعاونی وجود دارد یا خیر مهم و ضروری است.

راه حلی که بسیاری از اقتصاددانان برای توسعه بخش تعاون در نظر دارند، خروج از حاکمیت دولت است. در تمام سالهای گذشته تعاون متأثر از اقتصاد کشور بوده، به طوری که به لحاظ منابع سرمایه‌ای خود همواره از دولت کمک خواسته است؛ اما با وجود تأمین سرمایه از طرف دولت هنوز نتوانسته جایگاه واقعی خود را پیدا کند (علیپور، ۱۳۷۸). به این ترتیب اصل خودیاری به تدریج و به نحو روزافزون اصالت خود را از دست داده است و شرکتهای تعاونی صرفاً به دریافت‌کننده اعتبارات و کمکهای دولتی تبدیل شده‌اند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که واگذاری بنگاه‌های بزرگ اقتصادی به بخش تعاون با مشکلاتی همراه بوده است، زیرا تعاونیها به گونه‌ای اداره می‌شوند که اعضا در تعیین سیاست و تصمیم‌گیری فعال نیستند و همچنان زمینه‌های دخالت دولت در امور تعاونیها فراهم است و تضمینی کافی برای ادامه فعالیت شرکتهای تعاونی بدون دخالت دولت وجود ندارد. در این باره یکی دیگر از موضوعات، فروش سهام شرکتهای دولتی به شرکتهای تعاونی به عنوان یکی از روشهای غیرمتداول خصوصی‌سازی است. این روش دارای مزایا و معایبی است؛ دستیابی به عدالت اجتماعی همراه با توسعه اقتصادی و بهینه شدن اندازه دولت، افزایش انگیزه اعضای تعاونی برای افزایش فعالیت، کاهش پراکندگی مالکیت در شرکت در مقایسه با روش اعطای سهام

عدالت می‌تواند از مزایای این طرح باشد. اما شرکتهای تعاونی تجربه کافی در ایجاد اصلاحات ساختاری در بنگاه‌ها را ندارند و از آنجا که خود نیز با مشکلات فراوانی در اداره شرکت مواجهند نمی‌توانند به شکل درست و کارا زمینه‌سازی و نوسازی بنگاه‌های اقتصادی را در شرایط رقابتی بازار فراهم آورند.

آمارها نشان می‌دهد در سال ۱۳۷۹ حدود ۶۸ درصد از بنگاه‌های صنعتی استان گیلان دچار کمبود نقدینگی و حدود ۴۶ درصد از بنگاه‌های صنعتی فعال و نیمه فعال بر اثر فرسودگی و یا نواقص ماشین‌آلات، دچار مشکل در تولید شدند. در عین حال حدود ۲۶ درصد از بنگاه‌های صنعتی در فروش محصولات تولیدی خود مشکل داشتند (عباسی، ۱۳۷۵). به گزارش اداره کل صنایع و معادن استان گیلان، در همین سال حدود ۳۰ بنگاه اقتصادی و صنعتی استان به دلایلی چون سوء مدیریت، فرسودگی ماشین‌آلات، نیروی مازاد، نبود نقدینگی، واگذاری نامناسب به بخش خصوصی، حقوق معوقه کارگران و عدم فروش کالا یا عدم توجیه اقتصادی دچار مشکلات عدیده‌ای بوده‌اند. از بنگاه‌های پیشگفته ۱۹ بنگاه متعلق به بخش خصوصی و بیش از ۲۰ بنگاه مرتبط با صنایع نساجی می‌باشند (مهرانفر، ۱۳۷۸).

استان گیلان به لحاظ شرایط آب و هوایی و طبیعی از دیرباز به عنوان یکی از مراکز کشاورزی در کشور مطرح بوده است. بر این اساس مسئولان کشور این استان را محور رشد و توسعه در بعد کشاورزی می‌دانند (دهقان، ۱۳۷۷) و به همین دلیل توسعه صنعتی استان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اما به دلیل محدودیت زمینهای کشاورزی استان و تراکم جمعیتی بالا، کشاورزی توان جذب تمامی افراد فعال استان را نداشته و پیامد آن امروزه وجود نرخ بالای بیکاری و عدم توسعه شایسته استان می‌باشد. در همین راستا، با توجه به نیازهای اقتصادی و اجتماعی استان گیلان جهت رسیدن به توسعه پایدار منطقه‌ای بر مبنای مزیت‌های نسبی منطقه‌ای، در مطالعه حاضر به بررسی توانمندسازی بنگاه‌های کوچک و متوسط و ارائه الگوی ایجاد بنگاه‌های بزرگ اقتصادی در قالب تشکلهای تعاونی در استان گیلان انجام شده است.

مواد و روشها

روش انجام این پژوهش از نوع پیمایشی و اسنادی است. بخشی از مطالعه، بررسی پژوهشهای انجام شده قبلی می باشد که می توان از آن به عنوان روش اسنادی یاد کرد. همچنین در روش پیمایشی با هدف جمع آوری اطلاعات از تعاونیهای استان و کارشناسان تعاونی، از ابزار پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه ها پس از طراحی براساس طیف لیکرت تکمیل شدند و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در توصیف و تحلیل اطلاعات از آمارهای توصیفی استفاده شده است.

جامعه آماری تحقیق شرکتهای تعاونی فعال تا سال ۱۳۸۵ در بخشهای مختلف اقتصادی یعنی ۱۰۷۶ واحد تعاونی فعال استان گیلان می باشد که از میان آنها ۷۰ واحد تعاونی در کلیه رشته های اقتصادی، خدماتی، تولیدی، توزیعی، صنعتی، کشاورزی و... در کلیه شهرستانهای استان به عنوان نمونه انتخاب و ارزیابی شدند.

یافته های تحقیق

با توجه به اینکه موفقیت و توانمندشدن تعاونیها در سطح کلان به عوامل اقتصادی (بحث تولید و بازاریابی)، سیاسی (بسترسازی) و در سطح خرد به عوامل فرهنگی و اجتماعی از جمله رعایت اصول و ماهیت تعاونی در بین اعضای آن مربوط می باشد، لذا در این بخش ابتدا به بررسی دیدگاه پاسخگویان در مورد معنی تعاون و دلایل تأسیس و تشکیل تعاونی و میزان رضایتمندی آنها از بخش تعاون پرداخته شد و سپس عوامل مؤثر بر توانمندسازی تعاونیها بررسی گردید و در نهایت الگوی توسعه بخش تعاون در قالب ایجاد نگاههای بزرگ اقتصادی ارائه شد.

الف) دیدگاه پاسخگویان نسبت به بخش تعاون

در این قسمت با توجه به اطلاعات به دست آمده، ابتدا دیدگاه پاسخگویان و میزان رضایتمندی آنها از بخش تعاون و سپس توانمندیهای تعاونیهای استان بررسی خواهد شد. جهت بررسی باور و دیدگاه پاسخگویان، نظر آنان در مورد معنی تعاونی و دلایل تأسیس و تشکیل تعاونیها و میزان رضایتمندی آنها از بخش تعاون بررسی گردید (جدولهای ۱ تا ۳).

جدول ۱. پاسخ کارشناسان و مسئولان تعاونیهای استان درباره معنی تعاونی

درصد	فراوانی	تعاریف تعاونیها	
۸	۶	پشتیبان متقابل و برابر	۱
۰	۰	محو استثمار سرمایه‌داری	۲
۲۳	۱۷	تعامل و همکاری با یکدیگر با هدفی معین	۳
۶۹	۵۲	همه موارد	۴
۱۰۰	۷۵	جمع	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول ۱ آمده است، ۶۹ درصد از کارشناسان و مسئولان تعاونیها معنی تعاونی را همه مواردی اعلام کردند که در بالا ذکر شده است. ۲۳ درصد از پاسخگویان تعامل و همکاری با هدفی معین را تعریف تعاونی می‌دانند. جالب است که هیچ‌کدام از پاسخگویان محو استثمار سرمایه‌داری را تعریف تعاونی نمی‌دانند.

طبق اصول پذیرفته شده، تعاونیها به همکاری با یکدیگر به مراتب بیشتر از رقابت با هم اهمیت می‌دهند و اساساً همکاری در بین تعاونیها نمی‌تواند به درون مرزهای منطقه‌ای یا ملی محدود شود، بلکه باید فراتر از مرزهای ملی در راستای ایجاد و اداره بنگاههای بزرگ اقتصادی تجلی یابد. به عبارتی، چنانچه مقرر باشد که اصول بین‌المللی تعاون و ارزشهای حاکم بر آن مورد توجه قرار گیرد و اشاعه یابد، آنها را باید در درون ساختار ادغام شده تعاونیها و در اصل تعامل و همکاری با هدفی معین دنبال نمود.

جدول ۲. دلایل تأسیس و تشکیل تعاونیها

درصد	فراوانی	دلیل تشکیل تعاونی	
۱۶	۱۲	افزایش اشتغال	۱
۱۵	۱۱	کسب درآمد	۲
۳۹	۲۹	ایجاد سرمایه‌گذاری	۳
۳۰	۲۳	همه موارد	۴
۱۰۰	۷۵	جمع	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج جدول ۲، ۳۹ درصد از پاسخگویان دلایل تشکیل تعاونیها را ایجاد سرمایه گذاری، ۱۶ درصد افزایش اشتغال، ۱۵ درصد کسب درآمد و ۳۰ درصد همه موارد فوق می دانند. با توجه به این واقعیت که بیشترین انتظار در روند تشکیل تعاونیها، اشتغال زایی و کاهش بیکاری و کسب درآمد را در سرمایه گذاری و گسترش فعالیتهای بخش تعاونی باید جستجو نمود، هرگونه تصمیم گیری و انجام فعالیتهای اقتصادی اصولاً باید به گسترش اشتغال و کسب درآمد در راستای ایجاد سرمایه گذاری بینجامد. با توجه به شرایط فوق، ایجاد و توانمندسازی بنگاههای بزرگ اقتصادی یعنی استفاده از ظرفیتهای بالقوه به منظور توسعه اقتصادی باعث افزایش اشتغال و کسب درآمد خواهد شد.

جدول ۳. میزان رضایتمندی از وضعیت موجود تعاونیهای فعال

شاخص	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	اصلاً	کل
تولید	۱۲	۲۳	۱۱	۱۷	۱۲	۷۵
	۱۶	۳۰	۱۵	۲۳	۱۶	۱۰۰
بازار فروش	۷	۱۲	۲۳	۱۷	۱۶	۷۵
	۹	۱۶	۳۱	۲۳	۲۱	۱۰۰
اشتغال نیروهای ماهر	۵	۹	۲۳	۱۸	۲۰	۷۵
	۷	۱۲	۳۱	۲۴	۲۶	۱۰۰
تسهیلات بانکی	۹	۵	۱۴	۱۹	۲۰	۷۵
	۱۲	۷	۱۹	۲۵	۳۷	۱۰۰
مواد اولیه	۱۷	۱۹	۲۴	۹	۶	۷۵
	۲۳	۲۵	۳۲	۱۲	۸	۱۰۰
تجهیزات	۱۴	۱۷	۱۹	۱۲	۱۳	۷۵
	۱۹	۲۳	۲۵	۱۶	۱۷	۱۰۰

مأخذ: یافته های تحقیق

با توجه به یافته های جدول ۳ می توان گفت:

- ۳۰ درصد از پاسخگویان در حد زیاد، ۱۶ درصد در حد خیلی زیاد و ۱۵ درصد در حد کم از وضعیت تولید تعاونی رضایت دارند.

- تنها ۹ درصد از پاسخگویان از بازار فروش تولیدات خود در حد خیلی زیاد رضایت دارند و در مقابل، ۲۱ درصد در حد اصلاً و ۲۳ درصد در حد خیلی کم از وضعیت موجود بازار فروش تعاونیها رضایت دارند.

- ۷ درصد از پاسخگویان از وضعیت موجود اشتغال نیروهای ماهر در حد خیلی زیاد، ۳۱ درصد در حد کم و ۵۰ درصد در حد خیلی کم و اصلاً رضایت دارند. اعداد فوق نشان می دهد که نیروهای ماهر حتی از نظر صاحبان و کارشناسان تعاونی نتوانسته اند جذب فعالیتهای تعاونی شوند.

- ۱۲ درصد از مسئولان تعاونیهای فعال استان گیلان در حد خیلی زیاد و ۳۷ درصد از در حد اصلاً و ۲۵ درصد در حد خیلی کم از وضعیت موجود اخذ تسهیلات بانکی رضایت دارند.

- ۲۳ درصد از پاسخگویان از وضعیت موجود تعاونیهای استان گیلان به لحاظ مواد اولیه در حد خیلی زیاد، ۲۵ درصد در حد زیاد و ۳۲ درصد در حد کم رضایت دارند. ۸ درصد از پاسخگویان نیز میزان رضایتمندی از وضعیت موجود مواد اولیه تعاونیهای استان را صفر در نظر گرفتند.

- ۱۹ درصد از پاسخگویان از وضعیت موجود تجهیزات رضایت خیلی زیاد، ۲۳ درصد رضایت زیاد و ۲۵ درصد رضایت کم دارند.

ب) عوامل توانمندسازی تعاونیهای کوچک و متوسط استان

با بررسی جدول ۴ درمی یابیم که پاسخگویان معتقدند در توانمندسازی تعاونیهای استان گیلان عوامل مختلفی دخیل و هر کدام از این عوامل دارای اولویتهای و رتبههای مشخص می باشند. اولین اولویت از نگاه پاسخگویان برای توانمندسازی تعاونیهای فعال، سرمایه در گردش است

که ۵۱ درصد پاسخگویان آنرا اولین اولویت دانسته‌اند. دومین اولویت از نظر پاسخگویان، تجهیزات و ماشین آلات صنعتی است که ۲۰ درصد آن را عنوان کرده‌اند. اولویت سوم نیروی انسانی ماهر با ۳۶ درصد، اولویت چهارم بازار فروش با ۲۰ درصد، اولویت پنجم منابع اولیه با ۲۳ درصد، افزایش سطح تولید و کیفیت کالاها با ۳۱ درصد ششمین اولویت و تسهیلات بانکی با ۲۳ درصد آخرین اولویت توانمندسازی تعاونیهای کوچک و متوسط فعال استان گیلان است.

جدول ۴. عوامل توانمندسازی تعاونیهای کوچک و متوسط استان گیلان براساس اولویت (درصد)

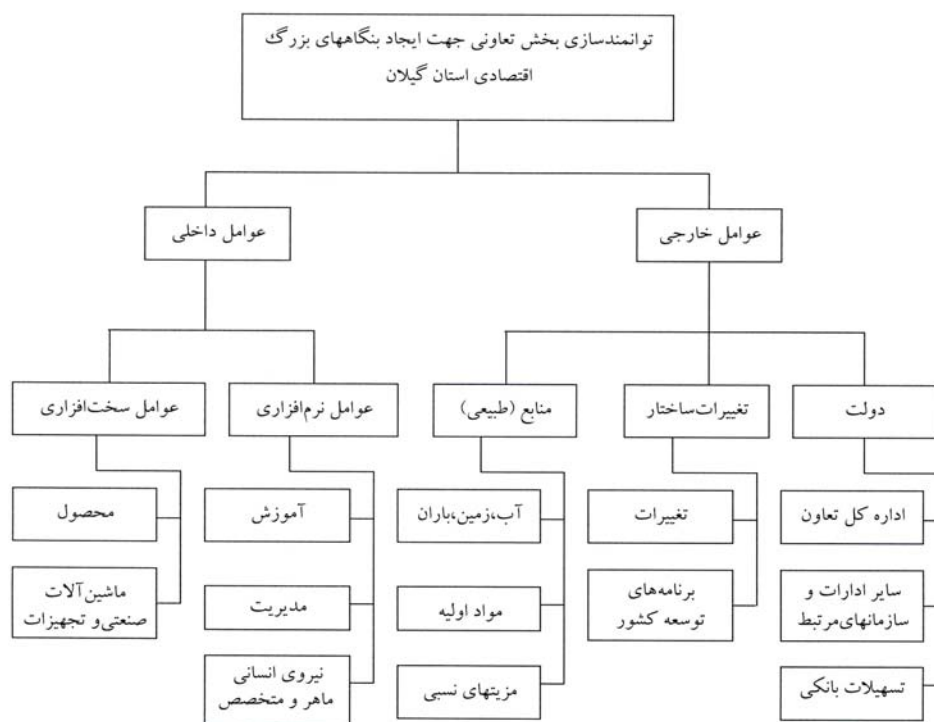
اولویتها	عوامل توانمندسازی تعاونیها	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	کل
۱	سرمایه در گردش	۵۱	۱۳	۵	۱۱	۹	۷	۴	۱۰۰
۲	تجهیزات و ماشین آلات صنعتی	۱۵	۲۰	۱۹	۱۵	۷	۱۲	۲۲	۱۰۰
۳	نیروی انسانی ماهر	۷	۱۵	۳۶	۹	۹	۱۲	۱۲	۱۰۰
۴	بازار فروش	۱۰	۱۹	۱۲	۲۰	۹	۲۳	۷	۱۰۰
۵	منابع و مواد اولیه	۹	۵	۷	۱۸	۲۳	۱۵	۲۳	۱۰۰
۶	افزایش سطح تولید و کیفیت کالاها	۸	۱۶	۹	۷	۱۹	۳۱	۱۰	۱۰۰
۷	تسهیلات بانکی	۱۳	۱۱	۲۰	۱۵	۹	۹	۲۳	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مهمترین عامل توانمند سازی تعاونیهای کوچک و متوسط، سرمایه در گردش عنوان شد. در واقع عمده ترین مشکل و تنگنای مالی تعاونیها در فرایند تولید و توسعه فعالیت این گونه بنگاهها و ایجاد بنگاههای بزرگ اقتصادی، سرمایه در گردش می باشد. و از این رو توجه به این عامل امری ضروری است.

ج) ارائه الگوی ایجاد تعاونیهای بزرگ

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مسئولان تعاونی باور عمیقی نسبت به مفاهیم و اصول تعاون دارند و این بنگاهها می‌توانند در افزایش اشتغال، کسب درآمد و سرمایه‌گذاری نقش مؤثری داشته باشند؛ بنابراین تقویت و گسترش فعالیت این واحدها با توجه به عوامل شناسایی شده در این تحقیق می‌تواند زمینه ساز توسعه اجتماعی و اقتصادی این بخش در منطقه مورد مطالعه باشد و لذا با این هدف، الگوی ایجاد بنگاههای بزرگ اقتصادی به صورت زیر ارائه می‌شود:



نمودار شماره ۱

با توجه به تجزیه و تحلیل نمودار ۱ و مباحث مطرح شده، به طور کلی برای توانمندسازی بخش تعاون جهت ایجاد بنگاههای بزرگ اقتصادی در استان، دو عامل داخلی و خارجی باید مد نظر قرار گیرد. توجه به هر یک از این عوامل نیازمند برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای توسعه‌ای است. مطالعات و بررسیهای به عمل آمده و نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد

عملی شدن دو فرایند فوق مستلزم اصلاحات اساسی در ساماندهی و برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای است و دسترسی به هدف مذکور در گرو تدوین و به کارگیری مجموعه‌ای از راهبردهای مناسب در حوزه‌های سیاست‌گذارهای دولت، تغییرات ساختاری با توجه به مزیت‌های منطقه‌ای و عوامل داخلی است که به طور خلاصه در نمودار شماره ۱ نشان داده شده‌اند. لذا می‌باید در جهت رفع مشکلات توسعه صنعتی استان، مسئولان امر و مدیران اجرایی، نگرش و اندیشه مسئولان کشور را در مورد محوریت قرار دادن کشاورزی برای توسعه استان تغییر داده و اساس توسعه استان را بر پایه صنعت کشاورزی بنا نمایند و سهم اعتبارات صنعتی استان را از کل اعتبارات کشوری به حد لازم برسانند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

عوامل توانمندسازی در تعاونیهای کوچک و متوسط استان گیلان به ترتیب اولویت عبارت بودند از: ۱. سرمایه در گردش، ۲. تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی، ۳. نیروی انسانی ماهر، ۴. بازار فروش محصولات، ۵. منابع (مواد) اولیه، ۶. افزایش سطح تولید و کیفیت کالاها، ۷. تسهیلات بانکی و غیربانکی. بر این اساس در زمینه‌های زیر پیشنهادهای مربوطه ارائه می‌شود:

۱. سرمایه‌گذاری

- ساخت شهرکها و نواحی صنعتی جدید و توزیع جغرافیایی آنها در تمامی نقاط استان: این کار از یک سو می‌تواند بسیاری از مشکلات را که دارندگان موافقت اصولی با آن روبه‌رو هستند برطرف کند و از سوی دیگر از پراکندگی صنایع و نابودی زمینهای کشاورزی استان جلوگیری نماید.

- کاهش استعلامهای متعدد از نهادهای دولتی مختلف، تسهیل و افزایش مدت اعتبار استعلامهای دریافت شده به منظور تشویق بیشتر مردم در سرمایه‌گذاری تولیدی و صنعتی؛

- مکلف کردن بانکها و مؤسسات اعتباری به حذف موانع و مشکلات احداث واحدهای تولیدی و اعطای وامها و تسهیلات ویژه با نرخ بهره کم به سرمایه گذاران صنعتی؛

- احداث و گسترش راههای ارتباطی استان با مرکز کشور و مراکز استانهای دیگر و همچنین متصل شدن استان به شبکه راه آهن کشور؛

- ایجاد و تأسیس کمیته و یا نهادی در استان متشکل از کارشناسان خبره ادارات و مراکز تصمیم گیری از جمله سازمان مدیریت و برنامه ریزی، سازمان صنایع و معادن، سازمان جهاد کشاورزی، سازمان حفاظت محیط زیست، نماینده بانکها و مؤسسات تأمین اعتباری استان، استانداری و استادان دانشگاه جهت تدوین اساسنامه توسعه استان و پی گیری مسائل مربوط به آن و رفع مشکلات سرمایه گذاران صنعتی در زمینه های متفاوت؛

- ایجاد دوره های آموزشی برای دارندگان موافقت های اصولی جهت ارتقای سطح آگاهی آنان در گروه صنعتی ای که موافقت اصولی دریافت نموده اند و تشویق آنان به سرمایه گذاری و راهنمایی آنها در مراحل مختلف سرمایه گذاری و تولید.

۲. نظام بانکی و تسهیلات

- حمایت از سرمایه گذاری به هر شکل ممکن و حذف موانع اداری در پرداخت تسهیلات؛

- بررسی دقیق توجیه اقتصادی، فنی و مالی طرحها به جای تمرکز روی وثیقه ملکی خارج از طرح؛

- متناسب بودن اقساط تسهیلات دریافتی با درآمد شرکتهای تعاونی؛

- پرداخت بموقع تسهیلات تصویبی به منظور جلوگیری از افزایش قیمتها و از توجیه افتادن طرحها؛

- حمایت و هدایت طرحهای تعاونی فعال و موفق جهت اجرای طرحهای توسعه محور؛

- بازنگری و اصلاح گردش کار، دریافت تسهیلات قبل از انجام هر گونه سرمایه گذاری، تعیین وضعیت مجریان طرحهای سرمایه گذاری از نظر داشتن توجیه اقتصادی، فنی و مالی طرح مورد نظر آنها.

۳. بسترسازی و ایجاد بنگاههای بزرگ اقتصادی

- افزایش روابط پیمانکاری بین صنایع کوچک و متوسط با صنایع بزرگ و تشکیل خوشه‌های صنعتی از طریق:

- الف) ایجاد مؤسسات پشتیبان غیردولتی و ارتقای سیستمهای مدیریت کیفیت؛
 ب) شناساندن بنگاههای اقتصادی به یکدیگر و اطلاع رسانی مناسب درباره شرایط بازار.

منابع

۱. دهقان، بیژن (۱۳۷۷)، وضع اشتغال کارگاههای بزرگ صنعتی گیلان از سال ۵۵ تا ۷۴.
۲. عباسی، هوشنگ (۱۳۸۵)، یاوری سنتی در روستاهای گیلان، انتشارات شهر سبز، اداره کل تعاون استان گیلان.
۳. علیپور، حمیدرضا (۱۳۷۸)، اقتصاد خرد کاربردی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
۴. علیپور، حمیدرضا و محمد دوستار (۱۳۸۷)، نظام شایسته‌سالاری، حلقه مفقوده در تعاملات دولت، صنعت و دانشگاه، سمینار بهره‌وری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
۵. مهرانفر، محمدرضا (۱۳۷۸)، تجزیه و تحلیل مهمترین موانع و محدودیتهای سرمایه‌گذاری خصوصی بخش صنعت استان گیلان، انتشارات کارآفرینان بصیر.
۶. مهرانفر، محمدرضا (۱۳۷۷)، گزارش اقتصادی - اجتماعی استان گیلان سال ۱۳۷۵، ناشر سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، صص: ۷-۱۱.
۷. مرکز آمار و اطلاعات اداره کل تعاون استان گیلان (۱۳۸۵)، سالنامه آماری ۱۳۸۵، معاونت برنامه‌ریزی استانداری استان گیلان، رشت.
۸. وزارت صنایع و معادن (۱۳۷۸)، برنامه راهبردی توسعه صنعتی ایران ۱۳۷۶-۱۴۰۰، انتشارات وزارت صنایع، تهران.